نظری به تاریخ آذربایجان

هویدا، رحیم

نظری بتاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‏شناسی آن نام‏ کتابی است که اخیرا بکوشش دوست دانشمند و گرامی آقای دکتر مشکور بحلیه طبع آراسته گردیده مطالبی را متظمن میباشد که گویا از نظر محققانه دوست ارجمند بلحاظ کثرت کارهای علمی ایشان پوشیده مانده‏ است.

از طرفی نام آذربایجان و تاریخ پرافتخار آن و سنگر آزادی و استقلال ایران از طرف دیگر برای روشن ساختن جغرافیای گوشه از وطن‏مان‏ و ادای دین برای جغرافیای آذربایجان مبادرت به توضیح مختصر در برخی از مندرجات آن کتاب ارجمند نمود امید است که مقبول افتد در صفحات 16 و 17 کتاب مزبور در ذکر نام شهرهای قدیم آذربایجان چنین‏ مرقوم فرموده‏اند:

 (نام شهرهای قدیم آذربایجان-در کتابهای مسالک و ممالک و بلدان‏ این بلاد و قصبات آذربایجان شمرده شده است):

اردویل(اردبیل)،مراغه،تبریز،خوی،ارمیه،مرند،میانج‏ (میانه)،طسوج،سلماس موقان(مغان)،اهر،سراو،(سراب)،گرمرود، خیا،داخرقان(دهخوارقان)خسرو شاه(نزدیک تبریز)،اشنویه(اشنو، اشنه،اسنو)خلخال،زنوز،این شهرها همه معروف است و امروز هم‏ بهمین نامها وجود دارد ولی جغرافی نویسان قدیم غیر از اینها از شهرها و قصباتی نام برده‏اند که امروز درست شناخته نیست و نام آنها از این قرار است:

اجن،ارچاق،ارنار،اندرآب،اوجان،بلخاب،بلاسجان،بذ، برزند،برره،باجروان،توی،تکلفه،جابروان(جابروقان)،جنزه، خلیلانا،خرقان،خونج،(خونه)،دارمرزین،دیرخرقان،دوین، درآورد،دزمار،زرآوند،زنگیان،ساترودان،سابرخاست(شابورخاست)، قلعهء کهران،کولسره،گرگر،گسیلان،فضلون،مایبهرج،میمند، مشگین،مردان قم،موسی آباد،نورین،نریر،نوذر،نیلان،ورثان.

همانطور که استاد محترم اشاره فرموده‏اند برخی از این شهرها و قصبات‏ نه تنها درست شناخته نیست بلکه نامی از آنها فقط در کتب قریمه باقیمانده و گذشت روزگار و حوادث بیشمار تنها از آن برای ما نشانیهائی باقی گذاشته‏ و این چرخ کجرفتار قلم بطلان بر هستی آن بلاد و ساکنانش کشیده و از صفحه‏ زمانه وجود آنها را برای همیشه زدوده است.

اما پاره‏ای از بلاد نه تنها شناخته است بلکه اکنون معمور و آبادان- تر از سابق بوده و سایه امنیت و آرامش بر سر آنها سایه افکنده و کشاورزان با شوق و ذوق وافر با کشاورزی نوین آشنا گردیده و گرداننده قسمتی از اقتصاد کشور ما شده‏اند که ما بطور اجمال بذکر آنها میپردازیم:

1-اجن

اجن همان زوجان است که در اصطلاح عامه Udjin گفته میشود نام ولایتی است از توابع شهرستان تبریز که در مبحث اوجان بذکر آن‏ خواهیم پرداخت.

ارچاق-ارچاق فعلا ارشق و ارشه نامیده میشود و یکی از دهستانهای‏ خیاو سابق و مشگین شهر فعلی است که پائین‏تر از شهر مشگین شهر بطرف‏ شمال در دامنه‏های رشته جبالی بنام آرشق قرار گرفته و از یکصدو هیجده‏ پارچه آبادی تشکیل یافته که 84 ده آن در جلگه واقع و دارای آب و هوای‏ معتدلی است ولی 34 پارچه آبادی دیگر آن در کوهستان قرار گرفته و بالطبع‏ سردسیر میباشد.

آب این منطقه از چشمه‏سارها و رودخانه‏های کوچک محلی تأمین‏ میشود و رودخانه معروف قراسو از قسمت پائین این دهستان جاریست و رشته‏ کوههای گدوک در گزیین محال ارشق و برزند قرار گرفته است.

اغلب ساکنین این دهستان را طوایف و ایلات مختلفه ایل شاهسون‏ تشکیل میدهند که کار آنها علاوه بر زراعت گله‏داری میباشد و گله‏های‏ بسیار زیاد گوسفند و گاو و گاو میش در مناطق سرسبز آن بچرا مشغولند.

بنا بر این محصولات دامی و لبنی این دهستان بسیار زیاد و بسایر نقاط حمل می‏شود.

محصولات کشاورزی این دهستان غلات،حبوبات،جالیز،و پنبه‏ میباشد و زمین‏های این دهستان استعداد کشت چغندر را نیز دارا میباشد.

محلی در این دهستان بنام ارشه وجود دارد که بنا بروایت اهل محل‏ سابقا آبادی بزرگی بوده و فعلا اثری از آن بچشم نمیخورد.

محال ارشق بوسیله سه جاده شوسه به اردبیل و گرمی و مغان مربوط می‏باشد.

2-تکلفه

همانطوریکه در ذیل صفحه 95 نزهت القلوب در باب تکلفه تحت شماره‏ 4116 تکلفه نوشته شده همان تکله یا دیکله صحیح است.